

بررسی فقهی پنهان‌کاری و اظهار خلاف اسرار پیشاازدواج در فرایند خواستگاری^۱

حمید رفیعی هنر^۲

علی بیات^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی مسأله پنهان‌کاری و اظهار خلاف در موضوعات پیشاازدواج (روابط دوستی و روابط جنسی پیش از ازدواج، ازدواج سابق و فقدان پرده بکارت) در ابواب فقهی تدلیس، و صدق و کذب با روش اجتهاد دینی است. یافته‌ها نشان می‌دهد اولاً اظهار صفت کمال با علم به فقدان آن، تدلیس و غش بوده، حکم آن حرمت است؛ اما سکوت از بیان صفت کمالی که فرد فاقد آن باشد، مصداق تدلیس نیست. ثانیاً سکوت در برابر چیزی که به لحاظ عرفی در فرد عیب و نقص محسوب می‌شود، در صورتی که همراه با التزام به سلامت باشد، تدلیس است، و سکوت از آنچه صفت کمال باشد یا سکوتی که التزام از آن فهمیده نشود، تدلیس نخواهد بود. ثالثاً هرگونه خبر، فعل یا سکوتی که جنبه حکایت از خلاف واقع در زمینه مسائل پیشاازدواج داشته باشد، کذب و حرام است و از باب تنقیح مناط، توریه نیز مفسد کذب را دارد و اجتناب از آن در امر ازدواج لازم است.

واژگان کلیدی

پنهان‌کاری، اظهار خلاف واقع، تدلیس، کذب، روابط پیشاازدواج

۱- تاریخ دریافت اولیه مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۸/۲۶

۲- استادیار گروه روانشناسی و اخلاق پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران Hamidrafii2@gmail.com

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم، ایران
(نویسنده مسئول) sadra7190@gmail.com

مقدمه

سن ازدواج در دهه‌های اخیر، افزایش قابل‌توجهی پیدا کرده است. میانگین سن ازدواج پسران و دختران در سال ۱۳۷۰ به ترتیب ۲۴/۴ و ۲۰/۹ سال بود که در سال ۱۳۹۵ به ۲۷/۴ و ۲۲/۹ سال رسیده است (سالنامه آمارهای جمعیتی ۱۳۹۵، سازمان ثبت احوال کشور). پژوهش‌ها نشان می‌دهد یکی از عوامل افزایش سن ازدواج روابط پیش‌ازدواج است. خلج آبادی فراهانی، کاظمی‌پور و رحیمی (۱۳۹۲، ص ۲۲) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج، به این نتیجه رسیده‌اند که روابط دوستی با جنس مخالف در بین دختران پیش از ازدواج، با افزایش سن ازدواج آنان ارتباط دارد؛ همچنین روابط جنسی و معاشرت نزدیک با جنس مخالف در دختران و پسران با تأخیر در ازدواج رابطه مهمی دارد. جهانبخشی و فضل‌اللهی (۱۳۹۵، ص ۱۷۲) نیز گسترش روابط ناسالم بین دختران و پسران و ارضای نیاز جنسی جوانان خارج از چارچوب شرعی را ششمین عامل افزایش سن ازدواج دانشجویان می‌دانند.

تجربه روابط پیش‌ازدواج بخصوص اگر متعدد و به سمت روابط جنسی پیش رود، نه تنها می‌تواند بر تمایل به ازدواج و سن ازدواج تأثیر داشته باشد، بلکه می‌تواند اثر منفی در کیفیت ازدواج و احتمال بیشتر طلاق داشته باشد (خلج آبادی فراهانی و شجاعی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۷؛ مظاهری و همکاران، ۱۳۸۸؛ زارعی توپخانه، احمدی، و یونس، ۱۳۹۳، ص ۶۶). خلج آبادی و شجاعی (۱۳۹۲، ص ۱۷۷) در تحقیق دیگری نتیجه گرفته‌اند که روابط پیش‌ازدواج خصوصاً در صورتی که متعدد و به روابط جنسی کشیده شود، اثرات نامطلوبی در رضایت زناشویی دارد. همچنین روابط پیش‌ازدواج سبب توسعه نگرش‌های منفی، وسواس و سختگیری در انتخاب همسر به علت تنوع تجربیات و بالا رفتن توقع در معیارهای همسرگزینی و ایجاد حس بدبینی به جنس مخالف و گسترش بی‌اعتمادی می‌گردد که بر روی تمایل جوانان به ازدواج اثر منفی می‌گذارد (خلج آبادی فراهانی، کاظمی‌پور، و رحیمی، ۱۳۹۲، ص ۲۲). معاشرت عاطفی و جنسی پیش از ازدواج در ایران برخلاف هنجارهای سنتی و فرهنگی است؛ اما برخی شواهد دلالت بر روند افزایشی این معاشرت‌ها در بین

جوانان دارد/خلج آبادی فراهانی، کاظمی‌پور و رحیمی ۱۳۹۲؛ مولایی و همکاران، ۱۳۸۴؛ مظاهری و همکاران، ۱۳۸۸). جعفری و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی به بررسی مشکلات جنسی ۱۷۷ دانشجوی پرداخته‌اند؛ این مطالعه نشان می‌دهد ۵۸ درصد از افراد بررسی‌شده، دارای روابط دوستی با جنس مخالف بوده و از بین آن‌ها ۶۸ درصد با دوست پسر خود رابطه جنسی داشته‌اند. مراجعه به مراکز مشاوره و پاسخگویی به سؤالات و تحلیل پژوهشگران عرصه تحقیق و پژوهش/دهنوی، ۱۳۹۳؛ بانکی‌پور، ۱۳۸۹) نشان می‌دهد روابط و مسائل پیش‌ازدواج در فرآیند خواستگاری، شایع است؛ از حدود ۲۰۰ سؤالی که در این زمینه جمع‌آوری شد، حدود ۸۰ درصد سؤالات در مورد دختران و پسرانی بود که در گذشته گرفتار روابط جنسی یا دوستی با جنس مخالف بوده‌اند که در دختران بعضاً به ازاله بکارت نیز منجر شده است. همچنین تعداد محدودی از سؤالات در زمینه بیماریهای جسمی - روانی گذشته و یا در باره شرایط و سوابق پیشین خانواده دختر و پسر می‌باشد که به علت محدود بودن سؤالات و عدم ضرورت در این تحقیق به آنها پرداخته نشده است. در این بین سؤالاتی موجب تعارض این دختران و پسران بین بیان و عدم بیان مسائل و اسرار گذشته زندگی گردیده است. سؤالاتی مانند این که آیا پنهان کردن یا اظهار عدم وجود چنین روابطی فریب و خیانت به همسر نیست؟ آیا این کار دروغ محسوب نمی‌شود؟ آیا با توجه به عواقب سوء بیان کردن این مسائل همچون بی‌آبرویی، انصراف یا رد خواستگاران و مانند آن، مجوزی برای پنهان کردن می‌شود؟

در میان گذاشتن برخی مسائل با خواستگار و بیان اسرار و مسائل خصوصی زندگی، بحث مهمی است که گاهی اوقات دختر و پسر با گفتن یا نگفتن یک مسأله یا گفتن نابهنگام آن، باعث از دست دادن یک موقعیت خوب می‌شوند و یا باعث بروز اختلافات و مشکلاتی در زندگی مشترک و در دسرهای دیگر می‌شوند. در نتیجه، این دسته از دختران و پسران سؤال می‌کنند اولاً آیا خواستگار را از مسائل و اسرار گذشته زندگی مطلع

کنیم؟ آیا این دروغ محسوب نمی‌شود؟ و آیا با پنهان کردن آن از خواستگار، تدلیس و فریب صورت نمی‌گیرد؟ می‌توانم برای حفظ آبرو، احتمال مجرد ماندن تا پایان عمر و عواقب سوئی از این قبیل، سکوت کنم یا خلاف واقع اظهار نمایم؟

در این میان، مشاوران مسلمان از یک‌طرف ملاحظه می‌کنند که اولاً اقرار به اشتباهات، اعتراف به گناه در برابر غیر خداوند و حرام است و ثانیاً بیان این مسائل به خواستگار عواقبی چون نابودی عزت نفس، منصرف شدن یا رد خواستگار و پس از آن، احتمال فاش شدن اسرار آنها، بی‌آبرویی و در پاره‌ای از موارد مجرد ماندن تا پایان عمر، و زندگی پر از تنش و همراه با بدبینی همسر را به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر، با نظر به متون فقهی همچون تدلیس در نکاح و صدق و کذب خصوصاً در مسأله حیاتی مانند خواستگاری، دچار تعارض و اختلاف می‌شوند که دختران و پسران گرفتار این مسائل را چگونه راهنمایی کنند تا مرتکب کار حرامی نشوند و حقی از طرف مقابل، زایل نشود و دختران و پسران را هم از این گرفتاری نجات دهد. از این‌رو بخشی از سؤالات که مراجعان از مشاوران خواسته‌اند، جنبه فقهی دارد. این سؤالات که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان مشترک «پنهان‌کاری و اظهار خلاف اسرار پیش‌ازدواج» نام‌گذاری کرد، از یک‌سو با عناوین فقهی چون تدلیس و کذب تطبیق دارد و از سوی دیگر می‌تواند با عناوین احکام ثانویه همچون قاعده «اضطرار» مطابقت داشته باشد. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر این است که مسأله پنهان کردن یا اظهار خلاف در مورد اسرار و مسائل خاص گذشته را در احکام اولیه در ابوابی چون تدلیس در نکاح، صدق و کذب را مطابق نظر مشهور فقهای نیم‌قرن گذشته بررسی کند. بنابراین سؤالات این پژوهش عبارتند از:

۱- آیا پنهان کردن یا اظهار خلاف مسائل و اسرار پیش از ازدواج، مصداق تدلیس حرام واقع می‌شود؟

۲- آیا اخفا یا اظهار خلاف واقع در این مسائل دروغ است؟

۳- برفرض کذب بودن، آیا از طریق توریه می‌توان آن را از تحت حکم حرمت کذب

خارج کرد؟

روش پژوهش

روش این پژوهش، از نوع روش اجتهاد دینی است. حسنی و علی‌پور (۱۳۹۰، ص ۷۱) روش اجتهاد دینی را پژوهش، سنجش، استدلال و اکتشاف گزاره‌های دینی بر مبنای دو منبع کتاب و سنت، با به‌کارگیری چهار دلیل: کتاب، سنت، عقل و اجماع تعریف کرده‌اند. طبق این روش، در مرحله اول، منابع مربوط به مسأله تحقیق، اعم از آیات و روایات و همچنین اقتضائات معنایی و دلالتی متن، مورد پژوهش قرار می‌گیرد. سپس با سنجش امکانات معنایی متن، از میان آن‌ها بر اساس شواهد و دلایل کافی، معنای متعین برگزیده می‌شود و در ادامه، به استدلال پرداخته، در نهایت کشف مشروط واقع، حاصل می‌شود.

در این مطالعه، مراد از باکره دختری است که نه در قُبُل او دخولی صورت گرفته باشد، نه در دُبُر او. کما این که آیت‌الله خویی آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله وحید خراسانی و مرحوم امام (ره) و مقام معظم رهبری (خویی، ۱۴۱۰ هـ ج ۱، ص ۲۶۱؛ تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۲۰؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ هـ ج ۳، ص ۲۹۷؛ موسوی خمینی، به نقل از میرزاده اهری، ۱۳۹۵، ص ۸۷) معیار دوشیزگی را عدم دخول به‌طور مطلق می‌دانند؛ بنابراین وجود یا عدم پرده، معیار باکرگی محسوب نمی‌شود. از سوی دیگر، منظور از رابطه جنسی پر خطر و نزدیک در این مقاله هر گونه دخول در قبل یا دبر بدون عقد شرعی است که به ازاله بکارت نیز منجر شده باشد. منظور از رابطه دوستی، ارتباطی است بین دو جنس مخالف همراه با محبت، صمیمیت، عشق و علاقه قلبی؛ اعم از این که در فضای مجازی باشد، یا به‌صورت تلفنی یا در فضای واقعی و فیزیکی. از این‌رو، ارتباط دو دختر و پسر که برای اهداف خاصی مانند تحصیل، کار و غیره باشد، نمی‌تواند جزو این مقوله محسوب شود (حمیدی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۸-۱۱۷). مقصود از ازدواج در این نوشته، عقد، یعنی پیوند شرعی و قانونی است؛ خواه به‌صورت دائم یا موقت. از این‌رو، ارتباط حتی طولانی‌مدت و به قصد آشنایی و ازدواج از این قسم خارج است. اکنون ازدواج، شامل دخترانی است که ازدواج موقت داشته یا ازدواج دائم ناموفق داشته و در دوره عقد از همسر خویش جدا شده‌اند و البته باکره هستند، و الا در صورتی که ازدواج سابق به هم‌خوابگی و روابط جنسی کشیده شود، از حکم این قسم بیرون است.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱- تدلیس

تدلیس در لغت به معنای کتمان و پوشاندن است. در *لسان‌العرب*، تدلیس به معنای تاریکی است. و این که فلان کس مدالسه و موالسه نمی‌کند، یعنی نیرنگ نمی‌زند. مدالسه نیز به معنای نیرنگ زدن است (بن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۸۶). بنابراین، در تدلیس نوعی تقلب و خدعه وجود دارد. تدلیس در مباحث فقهی، نوعاً در بین بحث از مصادیق پراکنده آن در ضمن نکاح همانند عیوب فسخ نکاح، تدلیس ماشطه مطرح می‌شود و بهطور مستقل از آن بحث نمی‌شود. با بررسی کلمات فقها به این نتیجه می‌رسیم که تعاریف ایشان از معنی و مفهوم تدلیس، باوجود تعابیر متفاوت، یکسان است که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف- از تعاریف محقق کرکی^۱، شهید ثانی^۲ و صاحب ریاض^۳ بر می‌آید که تدلیس به دو شکل می‌تواند صورت گیرد:

اول- اظهار صفت کمال خواه به صورت وصف یا شرط کمال با علم به فقدان آن؛ مانند این که متاع را متصف به صفت کمال، مانند آزاد بودن یا دوشیزگی کند و بعد معلوم شود دارای این کمال نبوده است.

دوم- صفت نقص یا عیبی در عین مورد معامله باشد و باوجود دانستن آن خلل، سکوت کرده و آن را بیان نکند.

ب- خی از فقها همچون آیت‌الله سید محمود شاهرودی بنای عقد بر اساس صفت غیرواقعی را نیز به گونه‌های تدلیس افزوده و اظهار داشته‌اند که تدلیس به امور زیر محقق می‌شود:

۱- «و کل موضع تحقق فيه خلل الخلقة فالسکوت عنه مع العلم به تدلیس، و کل موضع لا یكون كذلك لا یتحقق التدلیس، إلا إذا وصف بصفة کمال فیظهر عدمها کالحرية و البکاره، و الأصل فيه أن الإطلاق محمول علی کمالیة الخلقة، و لا یقتضی استجماع صفات کمال، هذا معنی التدلیس» (کرکی، ۱۴۱۴ هـ ج ۱۳، ص ۲۵۶).

۲- «مراجع التدلیس إلى إظهار ما یوجب کمال أو إخفاء ما یوجب النقص» (عاملی، ۱۴۱۳ هـ ج ۱، ص ۱۲۹).

۳- «یتحقق التدلیس بأحد أمرین فإما السکوت من العیب مع العلم أو دعوی صفة کمال» (حائری، ۱۴۱۸ هـ ج ۱، ص ۱۲۴).

- نشان دادن چیزی برخلاف واقع؛ مانند سرخ کردن صورت کنیز جهت سرخ‌روی نشان دادن.

- بازگو نکردن عیب موجود یا صفت نقص با علم به آن.

- عقد به وصف یا شرط کمال با علم به فقدان آن درواقع؛ مانند ازدواج با زنی با وصف آزاد بودن (برده نبودن) یا با شرط دوشیزه بودن؛ درحالی‌که وی در واقع فاقد آن وصف یا شرط است (شاه‌رودی، ۱۴۲۶ هـ ج ۲، ص ۴۲۳).

ج- صاحب مفتاح‌الکرامه^۱ می‌فرماید ممکن است تدلیس وجود داشته باشد، بی‌آن‌که مال معیوب باشد. در عیب، زیاده یا نقیصه‌ای در مال هست و عرف آن را عیب می‌شناسد؛ از این‌رو موضوع معامله الزاما باید معیوب باشد، اما در تدلیس، الزام وجود عیب در موضوع معامله نیاز نیست؛ زیرا صرف نبود یک امتیاز و صفت کمال، ممکن است تدلیس محسوب شود.

تعریف تدلیس در ازدواج با تعریف کلی تدلیس اختلاف چندانی ندارد. تدلیس در نکاح مطابق آنچه شیخ انصاری بیان کرده، عبارت است از: «هو إظهار صفة کمال فی المرأة مع انتفاءها عنها أو إخفاء صفة نقص» (انصاری، ۱۴۱۵ هـ ص ۴۳۴)؛ اظهار صفت کمال - به‌گونه‌ای که از توصیف آن سود برد، مانند این که بگوید طیب است، درحالی‌که نیست. یا پنهان کردن صفت نقص، که خود به دو صورت است؛ یا به‌صورت لفظ است، به این صورت که دارای عیب خفی است و می‌گوید سالم است یا به سکوت است.

تدلیس در متون فقهی، گاهی به عنوان موضوع خیار و فسخ عقد یا به عبارت دیگر آثار وضعی آن مانند اثر فقدان بکارت در ایجاد حق فسخ و کاهش مهریه، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و گاهی به‌عنوان حکم تکلیفی مورد بررسی واقع شده است. رویکرد فقها در مسأله حاضر بر آثار وضعی آن تمرکز یافته است و درصدد بیان حکم

۱- «التدلیس کتمان عیب السلعة عن المشتري كما فی (الصباح و المصباح و القاموس و مجمع البحرین) و فی (النهاية) التدلیس إخفاء العیب و المعروف بین الفقهاء خلاف ذلك لأنهم يطلقونه علی کتمان صفات و إظهار غيرها مما هو أحسن منها و إن لم تکن تلک عیوبا و لا یقصرونه علی السلعة كما فی تدلیس الماشطة» (کرکی، ۱۴۱۹ هـ ج ۱، ص ۴۶۰).

تکلیفی آن نبوده‌اند؛ اما آنچه در این تحقیق مهم است، بررسی عنوان «تدلیس محرم» و شرایط تحقق آن است. تدلیس با این اصطلاح، به عنوان موضوع حرمت در روایات قرار نگرفته است. کما این که مقدس اردبیلی^۱، آیت‌الله خویی^۲، آیت‌الله تبریزی^۳ و محسنی قندهاری^۴ می‌فرمایند تدلیس به اعتبار این که غش است، حرام است. از این رو تدلیس نوعی غش بوده، ماهیتی جدا از آن ندارد و ادله‌ای که بر حرمت غش در معاملات دلالت دارد، توانایی اثبات حرمت تدلیس در نکاح را نیز دارد. البته هر نوع پنهان‌کاری صفت ناپسند یا ابراز صفت کمال نمی‌تواند تحت عنوان تدلیس و غش قرار گیرد. بنابراین، ابتدا باید غش را تعریف و سپس شرایط و عناصر تحقق آن را بررسی کنیم.

۲- غش

غش دارای حقیقت شرعیه یا حقیقت متشرعه نیست و در لسان شرع به همان معنای لغوی و عرفی استعمال شده است. از این رو باید مفهوم غش را در عرف و لغت بررسی کنیم. قاموس و لسان العرب غش را این‌گونه تعریف کرده است: الغش نقیض النصح؛ غش ضد خیرخواهی و نصیحت است (سعدی، ۱۴۱۴ هـ ج ۹، ص ۱۵۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ ج ۶، ص ۳۲۳). بنابراین، غش مقابل نصح است؛ اما تقابل آن‌ها سلب و ایجاب نیست؛ بلکه ضدانی هستند که سومی برای آن‌ها فرض می‌شود. اگر تقابل غش و نصح، به نحو تناقض باشد، غش

-
- ۱- «لعل دلیله الإجماع بنفسه، و انه نوع غش، و هو محرم. و الإجماع غیر ظاهر فیما قبل، و کذا کونه غشا و هو ظاهر» (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ هـ ج ۱، ص ۸۵).
 - ۲- «الظاهر انه لا دلیل علی حرمة التدلیس و الغش من حیث هما تدلیس و غش إلا فی بیع أو شراء أو تزویج للروایات الخاصة آتی سنتعرض لها فی البحث عن حرمة الغش» (خویی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹۸).
 - ۳- «الحاصل أن التدلیس محکوم بالحرمة باعتبار كونه غشا فی المعاملة، و یحصل مع اعتقاد الطرف بصفة کمال أو فقد عیب فی الشیء باعتبار فعل الغاش. و أما مجرد كون الشیء موهما لوجود صفة فیہ مع علم الطرف بالحال، و أنه لیس للوهم حقیقة، فلا یكون من الغش لیحکم بحرمة» (تبریزی، ۱۴۱۶ هـ ج ۱، ص ۱۱۲).
 - ۴- «لا إشکال فی حرمة الغش بین المسلمین و تدلّ علیها أحادیث کثیره ... وأنّ التدلیس من أفراد الغش - مضافاً إلى صدق معناه اللغوی علیه» (محسنی، قندهاری، ۱۴۲۴ هـ ج ۱، ص ۱۸۹).

یک امر عدمی است و به معنای عدم خیرخواهی است که در این صورت صرف سکوت از بیان عیب، غش محسوب می‌شود؛ اما همان‌طور که اصفهانی و آیت‌الله خویی بیان کرده‌اند غش یک امر وجودی است که به معنای خدعه و نیرنگ است. در نتیجه، صرف سکوت از بیان عیب درحالی‌که مبیع معیوب یا ناقص است، عرفاً غش محسوب نمی‌شود (اصفهانی، ۱۴۱۸ هـ ج ۴، ص ۵۲۸؛ خویی، ۱۴۱۷ هـ ج ۱، ص ۳۰۰). بلکه در صورتی‌که قرینه باشد مبنی بر این که فردی به بایع اعتماد کرده است که جنس او معیوب یا ناقص نیست، در این صورت، غش و حرام است.

۳- کذب

کذب در لغت و اصطلاح: فیومی (۱۴۱۱ هـ ج ۲، ص ۵۲۸) کذب را در لغت این‌گونه معنی کرده است: «خبر دادن از چیزی برخلاف آنچه هست کذب است و عمد و خطا در آن یکسان است». در علم بدیع به عنوان یکی از علوم زبان‌شناسی، تعاریفی از کذب و صدق ارائه شده است؛ نظام، صدق و کذب را «مطابقت با اعتقاد و عدم مطابقت با اعتقاد» می‌داند (تفتازانی، ۱۴۱۱ هـ ص ۲۴). لذا اگر فرد مشرک بگوید «الله واحد» کاذب است؛ زیرا این کلام اگرچه فی‌نفسه صحیح است؛ ولی مخالف با اعتقاد شخص می‌باشد. جاحظ صدق را مطابق با واقع و اعتقاد مخبر معاً می‌داند و بر این اساس، بین صدق و کذب واسطه قائل شده است. صدق مطابق با واقع و اعتقاد است و کذب مخالف با واقع و اعتقاد است و اگر چیزی مطابق یکی و مخالف دیگری باشد «واسطه بین صدق و کذب» است (تفتازانی، ۱۴۱۱ هـ ص ۳۲).

-
- ۱- «أن ملاک صدق الخبر مطابقته لاعتقاد المخبر، و لو کان ذلك الاعتقاد خطأ غیر مطابق للواقع، و کذب الخبر عدم المطابقة لاعتقاد المخبر كذلك - أي و لو کان خطأ».
 - ۲- «انکر انحصار الخبر فی الصدق و الکذب و اثبت الواسطه و زعمان صدق الخبر (مطابقته) للواقع (مع الاعتقاد) بانه مطابق و کذب الخبر (عدمها) ای عدم مطابقته للواقع (معها) ای مع اعتقاد انه غیر مطابق».

۴- توریه

ابن منظور توریه را این‌گونه تعریف کرده است: به کار بردن لفظی که ظهور در معنایی دارد؛ اما معنای دیگری از آن اراده شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ ج ۱۵، ص ۳۸۶). شیخ انصاری نیز توریه را این‌گونه تعریف کرده است:

«توریه آن است که انسان در مقام پنهان کردن واقع، کلامی بگوید که مراد وی از آن، معنایی غیر از مفهوم ظاهری آن کلام باشد» (انصاری، ۱۴۱۵هـ ج ۲، ص ۱۷). فقهای چون محقق ثانی، شهید ثانی، امام خمینی، آست الله خویی و رهبری (کرکی، ۱۴۱۴هـ ج ۵، ص ۱۶؛ عاملی، ۱۴۱۳هـ ج ۹، ص ۲۰۵؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵هـ ج ۲، ص ۶۰؛ خویی، ۱۴۱۰هـ ج ۳، ص ۳۰۱؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۹۶ و ۹۵) در کتب خویش به این تعریف اشاره کرده‌اند. در مورد این که آیا توریه کذب است، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. مسأله تفاوت یا این‌همانی توریه با کذب به تفاوت دیدگاه‌ها در ملاک صدق و کذب باز می‌گردد. مشهور فقها/انصاری، ۱۴۱۵هـ ج ۲، ص ۱۸؛ خویی، ۱۴۱۰هـ ج ۱، ص ۳۹۸-۳۹۵؛ غروی اصفهانی، ۱۴۱۶هـ ج ۲، ص ۳۱-۳۲؛ رهبری، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۹۶ و ۹۵) مطابقت یا مخالفت مراد مخبر با واقع را ملاک صدق و کذب دانسته، با حکم به خروج موضوعی توریه از تحت عنوان کذب، آن را به لحاظ ماهوی متفاوت با کذب می‌دانند. همچنین امام خمینی ملاک کذب را استعمال سخن در معنای مخالف با واقع دانسته و معتقد است توریه کننده، کلام خود را در معنای موافق با واقع به کار می‌برد. بنابراین از دیدگاه ایشان توریه، کذب نخواهد بود (موسوی خمینی، ۱۴۱۵هـ ج ۲، ص ۶۰ و ۷۱). برخی از فقها همچون میرزای قمی و رشتی مطابقت یا مخالفت ظاهر کلام (برداشت مخاطب) را ملاک در تعیین صدق و کذب شمرده‌اند و از این رو به این‌همانی بودن کذب و توریه حکم کرده‌اند (قمی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۱۹؛ رشتی، ۱۳۱۳، ص ۲۶۲). صاحب جواهر نیز در پاره‌ای از موارد، توریه را عرفاً مصداق کذب شمرده است و بنا بر دیدگاه او، عنوان کذب بر افعالی که اثر کذب را دارند، خالی از اشکال نیست؛ زیرا عرف از کذب، القای خصوصیت می‌کند و حکم آن را به هر آنچه فایده کذب در آن مشاهده شود، می‌دهد (نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۲، ص ۷۲-۷۳). بنابراین، از این جهت که معیار در مخالفت و مطابقت خبر با واقع، مراد متکلم است نه فهم مخاطب، توریه علی‌الظاهر کذب نخواهد بود؛ زیرا بحث این است که آیا فی‌الواقع و در مقام ثبوت، توریه

دروغ است یا خیر؟ و از این جهت که مراد متکلم در توریه مطابق واقع است، کذب نخواهد بود. بلکه در مقام اثبات، معیار، ظاهر کلام و فهم مخاطب است که از این جهت، توریه کذب خواهد بود؛ اما مراد ما مقام ثبوت و واقع است.

شرایط تحقق غش

قدر متیقن از تدلیس، اظهار صفت کمال با علم به فقدان آن و اخفای نقص یا عیب با علم به وجود آن است. همان‌طور که گذشت، تدلیس به اعتبار این که غش است، حرام است. پس برای این که بدانیم کدام اظهار صفت کمال یا اخفای نقص حرام است، ابتدا باید عناوین دخیل در تحقق غش را بررسی کنیم:

الف- علم غاش و جهل مغشوش: اولین شرط تحقق غش این است که غاش نسبت به واقع عالم و مغشوش جاهل باشد. آیت‌الله خویی (۱۴۱۷هـ ج ۱، ص ۳۰۰) درباره این شرط می‌نویسد: «لا یتحقق ذلک إلا بعلم الغاش و جهل المغشوش، فإذا کان کلاهما عالمین بالواقع، أو جاهلین به، أو کان الغاش جاهلاً و المغشوش عالماً انتفی مفهوم الغش»؛ غش در صورتی محقق می‌شود که غاش عالم و مغشوش‌علیه جاهل باشد. از این‌رو، اگر هر دو عالم یا جاهل نسبت به واقع باشند، یا در صورتی که غاش جاهل و مغشوش عالم نسبت به واقع باشد، مفهوم غش منتفی است. همچنین شیخ انصاری، حضرت امام خمینی، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله تبریزی و آیت‌الله سبحانی این شرط را در تحقق غش لازم دانسته‌اند/انصاری، ۱۴۳۱هـ ج ۱، ص ۲۷۹؛ منتظری، ۱۴۱۵هـ ج ۲، ص ۴۸۵؛ سبحانی، ۱۴۲۴هـ ص ۵۰۸؛ تبریزی، ۱۴۱۶هـ ج ۱، ص ۱۷۰؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۹۵.

ب- غش به گونه‌ای باشد که بوضوح فهمیده نشود: دومین شرط در تحقق تدلیس این است که عیب یا نقص خفی باشد، از این‌رو در مواردی که عیب آشکار است یا از شأن آن این است که بررسی شود، اما مشتری کوتاهی کرده، در ملاحظه آن مسامحه کند، غش تحقق نمی‌یابد. مشهور فقها از جمله مقدس اردبیلی، صاحب جواهر، علامه حلی و آیت‌الله فاضل، خفا را در غش شرط می‌دانند/اردبیلی، ۱۴۰۳هـ ج ۱، ص ۱۲؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴هـ ج ۲، ص ۱۱۱؛ فاضل، ۱۴۲۷هـ ص ۲۲۳؛ حلی، ۱۴۱۹هـ ج ۲، ص ۴۶۹؛ اما در این که درجه خفا تا چه حد است، آیت‌الله خویی می‌فرماید:

«آن الغش لا یصدق لعه و لا عرفا علی الخلط الظاهر الذی لا تحتاج معرفته إلی إمعان النظر... فان ذلك لا یكون غشا... ثم إنه لا یعتبر فی مفهوم الغش انحصار معرفته بالغاش، فإن أكثر أفراد الغش یعرفه نوع الناس بإمعان النظر... نعم قد تنحصر معرفته بالغاش كمزج اللبن بالماء غیر ذلك من الموارد آلتی لا یطلع علی الغش إلا خصوص الغاش فقط» (خویی، ۱۴۱۷هـ، ج ۱، ص ۳۰۰).

بدین معنی که مقداری از خفا در مفهوم غش معتبر است؛ اما آن قدر خفا شرط نیست که فقط خود غاش از آن آگاه باشد و دیگران از آن اطلاع پیدا نکنند. آیت الله سبحانی در این زمینه می‌فرماید: غشی که آگاهی از آن متوقف بر اختبار متعارف است، لکن مشتری کوتاهی می‌کند و اختبار نمی‌کند، موضوعا از غش خارج است، اما در صورتی که ۱- کسی غیر از بایع از غش آگاه نمی‌شود ۲- یا این که تنها اهل خبره از آن مطلع می‌شود ۳- یا این که همه مردم با بررسی و دقت نظر می‌توانند از آن آگاه شوند، غش و حرام است (سبحانی، ۱۴۲۴هـ ص ۵۰۶-۵۱۰). در مقابل، آیت الله اراکی می‌فرماید: معتبر در مفهوم غش این است که سبب خفای امر بر طرف مقابل گردد و در این صورت، تفاوتی بین عیب خفی و جلی نیست (اراکی، ۱۴۱۳هـ ص ۱۲۸).

۳- وجود قصد تدلیس: سومین شرط برای تحقق غش، این است که قصد تلبیس و فریب در بین باشد؛ زیرا غش از امور قصدیه است و مانند سایر مفاهیم قصدیه، محقق شدن آن تابع قصد است. البته در لزوم شرط مزبور برای صدق غش، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. شیخ انصاری در تحقق غش، شرط حاضر را معتبر دانسته، می‌نویسد: «فالعبره فی الحرمة بقصد تلبیس الأمر علی المشتري، سواء كان العیب خفیا أم جلیا كما تقدم لا بکتمان العیب مطلقا، أو خصوص الخفی و آن لم یقصد التلبیس» (انصاری، ۱۴۳۱هـ ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰)؛ آنچه در حرمت غش معتبر

۱- «لا فرق فی صدق الغش بین العیب الخفی و الجلی علی خلاف ما یظهر من کثیر من اختصاصه بالعیب الخفی، نعم یعتبر خفاؤه علی الطرف».

۲- «ان الأفعال الصادرة عن الشخص علی قسمین: (الأول): ما لا یحتاج فی تحققه و تعونه بعنوان خاص الی القصد. (الثانی): ما یحتاج الیه، (و بعبارة أخرى) یكون من العناوین القصدیه بحيث لا تحقق لها فی الخارج بغیره، سواء كان متعلقا للأمر أم لا، و سواء كان من الأمور التعبدیه أم لا و ذلك مثل الصوم المتعلق للنذر حیثان مجرد قصد الصوم لا یكفی فی تحققه، بل لا بد من قصد الصوم التذری» (بروجردی، ۱۴۱۶هـ تقریر بحث السید البروجردی: ج ۲، ص ۷۱).

است، قصد تلبیس و پوشاندن امر بر مشتری است؛ خواه عیب خفی یا جلی باشد. شیخ انصاری در ابتدا می‌فرماید ملاک در حرمت غش، قصد تلبیس است؛ اما در ادامه می‌فرماید در صورتی که عیب مبیع، خواه خفی یا جلی، باعث خروج آن از مقتضای خلقت اصلی گردد، عدم اعلام این عیب از طرف بایع، ولو به قصد تلبیس نباشد، به معنای التزام به سلامت آن است و سکوت او غش و حرام است (همانجا)^۱. صاحب ریاض در این زمینه می‌فرماید: «ثم لو غش لکن لا بقصد بل بقصد إصلاح المال لم یحرم؛ للأصل، و اختصاص ما مر من النص بحکم التبادر بصورة القصد» (صاحب ریاض، ۱۴۱۸ هـ ج ۱، ص ۱۷۲).

لذا اگر فردی به قصد اصلاح مال غش کند، بدون این که قصد تلبیس داشته باشد، حرام نیست. آیت‌الله تبریزی در این زمینه بین عیب خفی و جلی تفصیل قائل می‌شود (تبریزی، ۱۴۱۶ هـ ج ۱، ص ۱۷۰)؛ از این رو می‌فرماید: ۱- اگر نقص به گونه‌ای باشد که بر کسی که مبیع را مشاهده و بررسی اجمالی می‌کند، مخفی نباشد، در این فرض، اگر کتمان و سکوت از آن، به فعل بایع و به قصد تلبیس امر بر مشتری باشد، غش و حرام است؛ اما در صورتی که به فعل دیگری یا به انگیزه‌ای غیر از تلبیس غش صورت گیرد، در این صورت اعلام آن واجب نیست. ۲- اما عیبی که مخفی است؛ در صورت جهل مشتری به آن غش و حرام است مطلقاً؛ به معنای این که فرقی بین این که غش به فعل خودش باشد یا دیگری، به غرض تلبیس یا انگیزه دیگر باشد، در تمام این صور، اعلام عیب و نقص واجب است^۲. آیت‌الله تبریزی همچنان می‌فرماید اظهار آنچه سبب اغراء یا موجب وقوع طرف مقابل در خلاف واقع گردد، غش و حرام است (تبریزی، ۱۴۱۶ هـ ج ۱، ص ۱۷۱). محقق

۱- «نعم، یمکن أن یقال فی صورة تعیب المبیع بخروجه عن مقتضی خلقته الأصلية بعیب خفی أو جلی: أن التزام البائع بسلامته عن العیب مع علمه به غش للمشتري، كما لو صرح باشتراط السلامة؛ فإن العرف یحکمون علی البائع بهذا الشرط مع علمه بالعیب أنه غاش».

۲- «و یمکن حمل هذه الروایات الظاهرة فی الغش بالتقص غیر الخفی علی صورة كونه بفعل البائع، بقصد تلبیس الأمر علی المشتري، فلا یجب علیه الإعلام إلا فی هذه الصورة. و أما إذا كان بداع آخر أو بفعل شخص آخر، كما إذا اشتری طعاما مختلطاً من الجید و الرديء، و أراد بیعه من آخر ثانياً، فلا یجب علیه الإعلام. و أما المخفی و ان كانت الحرمة فيه ایضاً بیع المغشوش مع جهل المشتري بالحال، إلا أنه لا فرق فيه بین كون الغش بفعله أو بفعل آخر أو لغرض آخر، ففي جميع ذلك یجب الإعلام».

ایروانی در عیب خفی همچون آیت‌الله تبریزی بیان می‌کند مناط غش، حصول التباس است(ایروانی، ۱۴۰۶هـ ج ۱، ص ۲۹). بنابراین در صورتی که بایع به عیب عالم باشد، سکوت از بیان عیب غش و حرام است و در این مورد فرقی بین این که غش به فعل خودش یا دیگری، به غرض تلبیس یا غیر آن باشد، نیست. اما در عیبی که آشکار است و لو این که بایع قصد تلبیس امر بر مشتری داشته باشد، موضوع غش منتفی است.

در مقابل آیت‌الله خویی، آیت‌الله اراکی، آیت‌الله مکارم و آیت‌الله سبحانی قصد تلبیس را شرط ندانسته و معتقد هستند غش از امور واقعی است که بدون قصد تلبیس هم محقق می‌شود(خویی، ۱۴۱۷هـ ج ۱، ص ۲۰۱؛ اراکی، ۱۴۱۳هـ ص ۱۲۸؛ مکارم، ۱۴۲۴هـ ج ۵، ص ۲۹۳؛ سبحانی، ۱۴۲۴هـ ص ۵۰۹). به نظر می‌رسد از این جهت که غش همان خدعه و نیرنگ است، برای تحقق غش، قصد تلبیس و فریب لازم است و بدون آن غش محقق نمی‌گردد. به عبارت دیگر، برای تحقق غش علاوه بر قصد فعل، قصد تلبیس نیز باید وجود داشته باشد. از این رو، اگر دختری مادرزادی فاقد بکارت باشد، اما از آن بی‌اطلاع بوده، خود را متصف به دوشیزگی معرفی کند، عمل او غش نیست.

آیا غش به سکوت محقق می‌شود؟

صاحب جواهر، شیخ انصاری، حضرت امام و آیت‌الله خویی قائل به وجوب اعلام در عیب خفی هستند(صاحب جواهر، ۱۴۰۴هـ ج ۳، ص ۳۶۲؛ انصاری، ۱۴۳۱هـ ج ۵، ص ۳۳۶؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۹۵؛ خویی، ۱۴۱۷هـ ج ۷، ص ۱۹۱). آیت‌الله تبریزی می‌فرماید در صورتی که عیب خفی باشد، سکوت از بیان عیب غش است و در صورتی که عیب جلی باشد، اگر به قصد تلبیس این عمل را انجام داده باشد، سکوت غش خواهد بود(تبریزی، ۱۴۱۶هـ ج ۱، ص ۱۷۰). برخلاف محقق ایروانی که در عیب جلی معتقد به وجوب اعلام نیستند(ایروانی، ۱۴۰۶هـ ج ۱، ص ۲۹). آیت‌الله سیستانی در این زمینه می‌فرماید حتی در صورتی که عیب آشکار باشد، اگر بایع بداند که مشتری در عدم اعلام عیب به او اعتماد کرده و این عدم اعلام باعث اعتقاد او به سلامت میع گردیده است، سکوت بایع از بیان عیب غش است(سیستانی، ۱۴۱۵هـ ج ۲، ص ۱۵). از این رو در عیب خفی، سکوت بایع به طریق اولی غش است. در مقابل سید یزدی و آیت‌الله اراکی قائل به این هستند که غش یک امر وجودی است و سکوت صرفاً ترک اعلام است(یزدی، ۱۴۱۰هـ ج ۲، ص ۹۰؛ اراکی، ۱۴۱۳هـ ص ۱۲۷-۱۲۸). از این رو، سکوت از بیان عیب، خواه

خفی یا جلی، نه نصح و نه غش است، و اعلام این که معیوب یا دارای نقص است، واجب نیست؛ بلکه این وظیفه مشتری است که دقیق مبیع را بررسی کند و از بایع یا شخص دیگری سؤال کند که آیا این مبیع معیوب است یا خیر. بله اظهار این که مبیع سالم و خالی از عیب است، غش است. در مورد صفت کمال نیز می‌توان این‌گونه بیان کرد که اگر سکوت از عدم صفت کمال، التزام به وجود آن باشد، طبق نظر آیت‌الله خویی غش خواهد بود؛ بلکه طبق نظر آیت‌الله سیستانی حتی اگر التزام عرفی نباشد، لکن بایع در وجود صفت کمال به بایع اعتماد کند، درحالی که چنین نباشد، نیز عنوان غش صادق است.

حکم تکلیفی غش

غش بالاتفاق و به اجماع فقها حرام است و آیت‌الله خویی می‌فرماید حرمت آن از ضروریات مذهب مسلمین است/خویی، ۱۴۱۷هـ ج ۱، ص ۲۹۸؛ اما در مورد این که آیا غش بما هو و بوصف گونه غشا حرام است یا این که غش فی‌نفسه حرام نیست و به عنوان ثانوی حرام می‌شود، مشهور فقها از متقدمان و متأخران مانند شیخ انصاری، شهیدی، آیت‌الله فاضل، آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله قندهاری، آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله سبحانی قائل به حرمت غش بوصف گونه غشا هستند/انصاری، ۱۴۱۵هـ ج ۱، ص ۲۷۵؛ شهیدی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۰؛ فاضل، ۱۴۲۷هـ ج ۲، ص ۲۲۲؛ تبریزی، ۱۴۱۶هـ ج ۱، ص ۱۶۸؛ قندهاری، ۱۴۲۴هـ ج ۱، ص ۱۸۹؛ سیستانی، ۱۴۱۵هـ ج ۲، ص ۱۵؛ سبحانی، ۱۴۲۴هـ ص ۵۱۰. از آن طرف، محقق ایروانی می‌فرماید غش موضوعیت برای حرمت ندارد و از باب عناوین ثانوی همچون کذب و اکل اموال مردم بدون رضایت، حرام است. به نظر می‌رسد همان‌گونه که مشهور فقها فرموده‌اند غش بما هو و بوصف گونه غشاً حرام است/ایروانی، ۱۴۰۶هـ ج ۱، ص ۲۹.

صدق و کذب در فقه

مشهور فقها همچون امام ره/۱۴۱۵هـ ج ۲، ص ۶۰ و (۷) صدق را به «مطابقه الخبر للواقع» و کذب را به «عدم مطابقه الخبر للواقع» تعریف کرده‌اند و مطابقت یا عدم مطابقت با اعتقاد مخبر را دخیل در تعریف ندانسته‌اند؛ زیرا جمله خبری برای بیان تحقق نسبت در خارج

وضع شده است؛ پس اگر خبر، مطابق با آن نسبت خارجی و واقعی باشد، صادق است و اگر مطابق با آن نباشد، کاذب است (مدرسی، ۱۳۹۲، ص ۲۴). در مورد این که مراد از خبر، ظاهر آن است یا مراد متکلم، اختلاف وجود دارد: شیخ انصاری، آیت‌الله خویی، غروی اصفهانی، امام ره و رهبریمطابقت یا مخالفت مراد مخبر با واقع را دخیل در صدق و کذب دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ هـ ج ۲، ص ۱۸؛ خویی، ۱۴۱۷ هـ ج ۱، ص ۳۹۵-۳۹۸؛ غروی اصفهانی، ۱۴۱۶ هـ ج ۲، ص ۳۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵ هـ ج ۲، ص ۶۰-۷۰؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۹۵-۹۶). میرزای قمی و میرزای رشتی مطابقت یا مخالفت ظاهر کلام را ملاک شمرده‌اند (قمی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۱۹؛ رشتی، ۱۳۱۳، ص ۲۲۲). ثمره این بحث در توریه مشخص می‌شود. به این صورت که اگر مراد از خبر، ظاهر آن باشد توریه کذب خواهد بود؛ اما اگر مراد متکلم منظور باشد، توریه دروغ نخواهد بود.

چنانچه در تعریف کذب آمده است، شیخ انصاری کذب را محدود به لفظ کرده است (انصاری، ۱۴۱۵ هـ ج ۲، ص ۱۷) و آیت‌الله خویی نیز افعال را به آن افزوده است (خویی، ۱۴۱۷ هـ ج ۳، ص ۳۰۱). در این میان امام همانند محقق خویی، کذب را علاوه بر قول و لفظ شامل افعال دانسته است؛ با این تفاوت که بنابر دیدگاه وی، هر چیزی که بتواند جای جمله خبری قرار گیرد و جنبه حکایت داشته باشد، مشمول این عنوان می‌گردد (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ هـ ج ۲، ص ۵۲-۵۴). از این رو حتی اشاره، کتابت و سکوت نیز متصف به صدق و کذب می‌شود. همچنین بعضی دیگر از محققان قائلند در صورتی که سکوت بر خلاف واقع دلالت کند، عنوان کذب محقق می‌شود (علیدوست، ۱۳۹۵، ص ۱۴۰۱)؛ بنابراین هرگونه خبر، فعل یا سکوتی که دلالت بر خلاف واقع درباره روابط دوستی یا جنسی پیش از ازدواج، ازدواج سابق و بکارت دختر داشته باشد، کذب محسوب می‌شود و در مورد این که اصل اولی در کذب، حرمت است، تردیدی نیست اما این سؤال مطرح می‌شود که آیا در مورد مسائل مربوط به پیش ازدواج می‌توان توریه کرد؟

۱- ر.ک به: انصاری، ۱۴۱۵ هـ ج ۲، ص ۱۱؛ خمینی، ۱۴۱۵ هـ ج ۲، ص ۶۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ هـ ج ۳، ص ۱۲۸؛ تبریزی، ۱۴۱۶ هـ ج ۱، ص ۲۲۸.

حکم فقهی توریه

بر اساس دیدگاه فقهایی که توریه را مصداق کذب می‌دانند (میرزای قمی، میرزا حبیب‌الله رشتی و مرحوم نائینی)، به همان ادله حرمت کذب توریه نیز حرام است؛ اما بنا بر دیدگاه کسانی که توریه را کذب ندانسته‌اند، آیا توریه حرام است؟ مشهور فقها/نصاری، ۱۴۱۵هـ ج ۲: ۱۶؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴هـ ج ۶، ص ۳۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰هـ ج ۴، ص ۲۳۵) قائل به عدم حرمت توریه هستند، مگر در صورتی که عنوان ثانوی بر آن عارض شود. آیت‌الله خویی (۱۴۱۷هـ ج ۱، ص ۳۹۸-۳۹۹) قائل به جواز توریه است؛ زیرا به لحاظ موضوعی آن را خارج از عنوان کذب می‌داند و در مقام اثبات این سخن به برخی روایات استدلال می‌کند. امام خمینی و رهبری (موسوی خمینی، ۱۴۱۵هـ ج ۲، ص ۷۲-۷۴؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۹۵ و ۹۶) نیز با توجه به اصل عدم حرمت و کافی نبودن ادله حرمت توریه، حکم به اباحه کرده و برای اثبات این حکم به اطلاق برخی روایات استدلال کرده‌اند (مصباح و رحمانی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۶). به نظر می‌رسد توریه کذب نیست؛ اما از باب تنقیح مناط مفاسدی از جمله سلب اطمینان، از بین رفتن آبرو، کم شدن ارزش انسان، فساد مروت و این که قول او همیشه متهم است مختص کذب نیست و در توریه نیز وجود دارد و مؤید حرمت توریه روایاتی است که در پاره‌ای از موارد کذب را به جهت اضطرار اجازه داده است، اما امام علیه‌السلام فرموده‌اند در این صورت توریه نمایید، درحالی که تا زمانی که ارتکاب جایز شرعی ممکن باشد عقل ارتکاب حرام را اجازه نمی‌دهد.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول در این تحقیق عبارت است از این که آیا اظهار خلاف واقع یا سکوت دختری که مطابق تعریف باکره محسوب نمی‌شود یا دارای روابط دوستی یا جنسی پیش از ازدواج بوده است ولو این که واجد پرده بکارت باشد یا دختری که سابقاً ازدواج کرده است، در برابر خواستگار «غش و تدلیس حرام» محسوب می‌شود یا خیر؟ آیت‌الله محسنی قندهاری بر حرمت اظهار باکرگی چنین استدلال می‌کند:

«لا إشکال فی حرمه الغش بین المسلمین... و آن التدلیس من أفراد الغش... فإظهار الفتاه وصف البکاره لزوجها

تدلیس محرم، سواء خلقت غیر باکره أو فقدت بکارتها بحرام أو بغصب أو فی نوم و نحوه أو بحدت» (محصنی قندهاری، ۱۴۲۴هـ ج ۱، ص ۱۸۹). بلکه اظهار صفت کمال با علم به فقدان آن تدلیس محسوب می‌شود؛ اما درباره این که آیا سکوت نیز تدلیس است یا خیر، می‌توان نتیجه گرفت:

الف- در مورد روابط دوستی و جنسی پیش از ازدواج که دخول صورت نگرفته باشد، از این جهت که این دو مورد عیب محسوب نمی‌شوند، سکوت و عدم بیان واقع، تدلیس و غش محسوب نمی‌شود؛ اما اظهار خلاف واقع، به معنای این که اگر مورد سؤال قرار گیرد و اظهار خلاف واقع کند، از این جهت که یک صفت کمالی را اظهار کرده است که در واقع مفقود است، به نظر مشهور فقها غش و حرام است.

ب- اما ازدواج‌های سابق، اعم از دایم یا موقت؛ در صورتی که صرف آشنایی برای مدتی حتی با اجرای صیغه عقد ازدواج بوده باشد، از این جهت که عدم آن صفت کمال محسوب نمی‌شود، سکوت یا اظهار خلاف واقع در این مورد غش و تدلیس نیست؛ اما در صورتی که ازدواج سابق همراه با رابطه جنسی یا ازاله بکارت همراه بوده باشد، در قسم بعد آن را بررسی خواهیم کرد.

ج- دخترانی که رابطه جنسی نزدیک و پرخطر داشته باشند:

۱- در صورتی که مدخوله نبودن، صفت کمال محسوب شود، کما این که آیت‌الله گلپایگانی، امام (ره)، آیت‌الله فاضل قائل هستند (گلپایگانی، ۱۴۱۳هـ ج ۲، ص ۳۵۷؛ فاضل، ۱۴۲۷هـ ص ۴۱۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۹۵)، در این صورت، سکوت تدلیس نیست. بلکه در صورتی که اظهار خلاف واقع کند، غش و حرام است.

۲- اما اگر مدخوله بودن، نقص و عیب محسوب شود، کما این که آیت‌الله سیستانی و مکارم/پرسش‌هایی درباره تدلیس در ازدواج از مراجع تقلید، بی‌تا، قائل هستند؛ در این صورت اگر دختری اظهار عدم رابطه جنسی کند، یقیناً غش و حرام است؛ اما اگر سکوت کند، سید یزدی و آیت‌الله اراکی معتقد هستند که سکوت اشکال ندارد؛ اما مشهور فقها از جمله شیخ انصاری، آیت‌الله خویی، آیت‌الله سیستانی و تبریزی معتقدند در صورتی که سکوت او همراه با التزام به سلامت باشد، به معنای این که اگر در عرف بنای عقلا بر این باشد که سکوت دختر التزام به سلامت است، عدم بیان غش است؛ اما اگر عرفاً سکوت همراه با

التزام به صحت نیست، عدم بیان غش نیست.

د- دخترانی که فاقد پرده بکارت باشند: در صورتی که در اثر رابطه جنسی پرده بکارت خویش را از دست داده باشد، حکم آن در قسم قبل بیان شد؛ اما اگر در اثر غیر رابطه جنسی، به طور نمونه مادرزادی، ورزش، پرش و مانند آن باشد، مطابق تعریفی که از بکارت شد، این دسته از دختران فاقد بکارت نخواهند بود. این گروه از دختران در صورتی که نسبت به نداشتن پرده بکارت خویش اطلاع نداشته باشند، عدم بیان آن یقیناً تدلیس محسوب نمی‌شود؛ زیرا نسبت به آن علم ندارند، اما دختری که از نبود پرده بکارت خود اطلاع دارد، سکوت از بیان آن مادامی که خواستگار وجود پرده بکارت را شرط نکند، اشکال ندارد و غش محسوب نمی‌شود؛ زیرا بر اساس تعریفی که از بکارت ارائه شد، این دسته از دختران غیر باکره محسوب نمی‌شوند. بله در صورتی که خواستگار به طور خاص وجود پرده بکارت را شرط کند، در این صورت، سکوت از بیان آن و اظهار خلاف واقع غش و تدلیس محسوب می‌شود.

اما پسرانی که روابط دوستی یا جنسی پیش از ازدواج داشته باشند، از این جهت که این موارد در پسران عیب محسوب نمی‌شود، سکوت و عدم بیان آن تدلیس حرام محسوب نمی‌شود؛ اما اظهار خلاف واقع در صورتی که مورد سوال قرار گیرد، از این جهت که صفت کمالی را اظهار کرده که در واقع فاقد آن است، غش و حرام محسوب می‌شود. در مورد ازدواج سابق پسران، اعم از موقت یا دائم در صورتی که صرف عقد و آشنایی بوده باشد، از این جهت که عدم آن صفت کمال محسوب نمی‌شود، سکوت یا اظهار خلاف واقع در این مورد غش و تدلیس نیست؛ اما اگر همراه با رابطه دوستی یا جنسی بوده باشد، حکم آن گذشت.

سؤال دوم عبارت است از این که آیا اظهار خلاف واقع یا سکوت دختری که مطابق تعریف باکره محسوب نمی‌شود یا دارای روابط دوستی یا جنسی پیش از ازدواج بوده است ولو این که واجد پرده بکارت باشد یا دختری که سابقاً ازدواج کرده است، در برابر خواستگار «کذب» محسوب می‌شود یا خیر؟

مشهور فقها کذب را به معنای عدم مطابقت خبر با واقع می‌دانند. امام ره و آیت الله خوینی در صورتی که فعل و سکوت جنبه حکایت از واقع داشته باشد، آن را متصف به صدق و

کذب می‌دانند. بنابراین، هر گونه اظهار خلاف واقع در زمینه روابط دوستی و جنسی پیش از ازدواج، ازدواج سابق و نداشتن پرده بکارت، به طور حتم کذب است؛ اما در این که سکوت در این زمینه نیز مصداق کذب است یا خیر، اختلاف است:

الف- دسته‌ای از فقها همچون شیخ انصاری و لغویان که کذب را صرف اخبار می‌دانند، سکوت را متصف به صدق و کذب نمی‌دانند.

ب- فقهای همچون حضرت امام ره، آیت‌الله خویی و علیدوست سکوت را در صورتی که جنبه حکایت از واقع داشته، به معنای التزام به واقع باشد، نیز مصداق کذب و حرام می‌دانند.

در این که آیا می‌توان در این زمینه توریه کرد یا خیر، همان گونه که گذشت، توریه مطابق نظر مشهور فقها از جمله آیت‌الله خویی، حضرت امام و رهبری موضوعاً از کذب خارج است و از این جهت می‌توان توریه کرد؛ اما از باب تنقیح مناط، مفسد کذب را شامل می‌شود. از این رو، توریه در امر خطیری مانند ازدواج، همان مفسد دروغ را دارد و از این جهت حرام است.

پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود در نوشته دیگری بررسی شود که آیا در مواردی که عنوان تدلیس و کذب حرام صدق می‌کند، آیا از باب احکام ثانویه مانند قاعده اضطرار می‌توان اثبات کرد که پنهان کردن اسرار پیش‌ازدواج جایز است؟ آیا بیان مسائل و اسرار پیش از ازدواج با قاعده حرمت اعتراف به گناه تعارض ندارد؟ و در مرحله بعد با استفاده از احکام فقهی به دست آمده راهکارهای روان‌شناختی در این مسأله ارائه شود.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب* (۱۴۱۴هـ)، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر
التوزیع - دار صادر
- احمدی، علی اصغر، *تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران* (۱۳۷۸)، تهران، انجمن
اولیاء و مربیان
- اراکي، محمد علی، *المکاسب المحرم* (۱۴۱۳هـ)، قم، مؤسسه در راه حق
- اردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان* (۱۴۰۳هـ)، قم،
دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- اصفهانى، محمدحسین، *حاشیه کتاب المکاسب* (۱۴۱۸هـ)، قم، انوارالهدی
- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد، *کتاب النکاح* (۱۴۱۵هـ)، قم، کنگره جهانی بزرگداشت
شیخ اعظم انصاری
- _____ *المکاسب* (۱۴۳۱هـ)، قم، مجمع الفکر الاسلامی
- ایروانی (نجفی)، علی بن الحسین، *حاشیه المکاسب* (۱۴۰۶هـ)، تهران، وزارت فرهنگ و
ارشاد اسلامی
- بانکی پور فرد، امیرحسین، *مطلع مهر، راهکارهای جامع و کاربردی برای انتخاب همسر*،
اصفهان (۱۳۸۹)، حدیث راه عشق
- بحرانی، یوسف بن احمد (آل عصفور)، *الحدائق الناضره فی أحكام العترة الطاهره* (۱۴۰۵هـ)،
قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- بروجردی (طباطبایی)، حسین *تقریر بحث السید البروجردی* (۱۴۱۶هـ)، قم، دفتر انتشارات
اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- پرسش‌هایی درباره تدلیس در ازدواج از مراجع تقلید (بی تا) بازیابی ۱۹ بهمن ۱۳۹۶:
<http://www.shia-news.com/fa/news/134634>
- تبریزی، میرزا جواد، *ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب* (۱۴۱۶هـ)، قم، اسماعیلیان
_____ *استفتائات جدید* (۱۳۸۵)، قم، سرور

تبریزی، میرزا فتاح شهیدی، *هدایه الطالب إلى أسرار المكاسب* (۱۳۷۵)، تبریز، چاپخانه اطلاعات

تفتازانی، سعدالدین، *مختصر المعانی* (۱۴۱۱هـ)، بیروت، دارالفکر آوا
جعفری، فرهاد، پرشاد پورضرابی و امیر تارخ، «بررسی مشکلات جنسی پسران دانشجو و عوامل موثر بر آن» (۱۳۸۴)، دومین گنگره خانواده و مشکلات جنسی، تهران، دانشگاه شاهد

جهانبخشی، حیدرعلی، سیفاله فضل الله قمشی، «ریشه‌یابی و رتبه‌بندی علل افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان» (۱۳۹۵)، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم*

اجتماعی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دوره ۸، شماره ۱۶

حائری، سیدعلی بن محمد، *ریاض المسائل* (۱۴۱۸هـ)، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام
حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *نهایه الأحكام فی معرفه الأحكام* (۱۴۱۹هـ)، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام

خامنه‌ای، سیدعلی، *رساله آموزشی احکام معاملات* (۱۳۹۴)، قم، انقلاب اسلامی
خلج‌آبادی فراهانی، فریده، «تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر احتمال طلاق در بین افراد تحصیل کرده‌ی دانشگاهی» (۱۳۹۱)، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*،

تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال پانزدهم، ش ۵۸
خلج‌آبادی فراهانی، فریده، شهلا کاظمی‌پور و علی رحیمی، «بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران» (۱۳۹۲)، *فصلنامه خانواده‌پژوهی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی*،

سال نهم، شماره ۳۳

خلج‌آبادی فراهانی، فریده و جواد شجایی، «نگرش دانشجویان دانشگاه‌های تهران نسبت به تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در رضایت زناشویی» (۱۳۹۲)، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان و*

خانواده، سال شانزدهم، ش ۶۱

خویی، سیدابوالقاسم، *منهاج الصالحین* (۱۴۱۰هـ)، قم، مدینه‌العلم

_____ مصباح‌الفاهاه (المکاسب) (۱۷۴۱ هـ)، تقریر محمدعلی توحیدی، قم، داوری

دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت (بی‌تا)، از:

<https://www.sabteahval.ir/avej/default.aspx>

دهنوی، حسین (۱۳۹۳)، گلبرگ زندگی ۳، قم، خادم‌الرضا علیه‌السلام

رشتی، حبیب‌الله بن محمدعلی (۱۳۱۳)، بدائع‌الافکار، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام

زارعی توپخانه، محمد، «روابط آزاد زن و مرد از دیدگاه آموزه‌های دینی و روان‌شناسی»

(۱۳۹۰)، ماهنامه علمی - ترویجی معرفت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی، سال بیستم، ش ۱۶۳

زارعی توپخانه، محمد، محمدرضا احمدی و سیدجلال یونسی (۱۳۹۳)، «بررسی تفاوت

میزان طلاق و پابندی دینی در میان سبکهای همسرگزینی» فصلنامه فرهنگی -

تربیتی زنان و خانواده، (۲۹)

سبحانی تبریزی، جعفر، المواهب فی تحریر أحكام المکاسب (۱۴۲۴ هـ)، قم، مؤسسه امام

صادق علیه‌السلام

سعدی، ابوحیب، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا (۱۴۰۸ هـ)، دمشق، دارالفکر

سیستانی، سیدعلی، منهاج‌الصالحین (۱۴۱۵ هـ)، اول، قم، مکتب آیه‌الله‌العظمی‌السید‌السیستانی

طباطبایی‌یزدی، سیدمحمدکاظم، حاشیه المکاسب (۱۴۱۰ هـ)، قم، مؤسسه اسماعیلیان

عاملی، سیدجواد حسینی، مفتاح‌الکرامه فی شرح قواعد‌العلامه (۱۴۱۹)، قم، جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم

عاملی (شهیدثانی)، زین‌الدین بن علی، مسالک‌الافهام إلی تنقیح شرائع الإسلام (۱۴۱۳ هـ)،

قم، مؤسسه المعارف‌الاسلامیه

عاملی کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسن، جامع‌المقاصد فی شرح القواعد (۱۴۱۴ هـ)، قم،

مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام

علی‌پور، مهدی و حمیدرضا حسینی، پارادایم اجتهادی دانش دینی «پاد» (۱۳۹۰)، ویرایش

سعیدرضا علی‌عسگری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه علیدوست، ابوالقاسم،

متن درس خارج فقه سال ۹۳-۹۲ و ۹۴-۹۵ از:

<http://salsabeal.ir/index.php/fa/lessons.html>

- غروی اصفهانی، محمدحسین، *بحوث فی الاصول* (۱۴۱۶هـ)، قم، جامعه مدرسین قم
فیومی، احمد بن محمد مقری، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی* (۱۴۱۱هـ) قم،
منشورات دارالرضی
- قندهاری، محمدآصف محسنی، *الفقه و المسائل الطبیه* (۱۴۲۴هـ)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه
- گلیایگانی، سیدمحمدرضا موسوی، *هدایه العباد* (۱۴۱۳هـ)، قم، دارالقران الکریم
لنکرانی، محمدفاضل موحدی، *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - المکاسب المحرمه*
(۱۴۲۷هـ)، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
- مدرسی طباطبایی، سیدمحمدرضا، *بررسی گستره فقهی کذب (موضوع، احکام و موارد*
استثناء) (۱۳۹۲)، تقریر عبدالله امیرخانی و ویرایش جواد احمدی، قم، اسوه
مصباح، هادی و علی رحمانی، «بررسی تطبیقی مبانی «صدق و کذب» و «توریه» و احکام
فقهی آنها با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)» (۱۳۹۵)، جستارهای فقهی اصولی (۲)
مظاهری، علی، *منصوره السادات صادقی، املیلا نصرآبادی، فاطمه انصاری نژاد، و مریم*
عباسی، «رابطه سبک‌های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج» (۱۳۸۸)، *راهبرد*
فرهنگ
- مکارم شیرازی، ناصر، *کتاب النکاح* (۱۴۲۴هـ)، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب
منتظری، حسین علی، *دراسات فی المکاسب المحرمه* (۱۴۱۵هـ)، قم، نشر تفکر
میرزاده اهری، سیدمرتضی، *ترمیم بکارت از منظر فقه و حقوق* (۱۳۹۵)، قم، مرکز فقهی
ائمه اطهار
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، *قوانین الاصول* (۱۳۷۸)، تهران، مکتبه الاعلمیه الاسلامیه
موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *تحریر الوسیله* (۱۳۷۹)، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم
_____ *المکاسب المحرمه* (۱۴۱۵هـ)، قم، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)
میرمولایی، سیده‌طاهره، زینب عباس‌سنجدری، باقر غباری بناب و سقراط فقیه‌زاده، «بررسی
رفتارهای جنسی و عوامل مرتبط با آن در دانش آموزان دختر دبیرستانهای دولتی

شهر تهران» (۱۳۸۴)، دومین کنگره سراسری خانواده و مشکلات جنسی، تهران،
دانشگاه شاهد

نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام* (۱۴۰۴هـ)، بیروت، دار احیاء
التراث العربی

نرم‌افزار مجیب (۹۵-۱۳۹۴)، قم، مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

وحیدخراسانی، حسین، *منهاج الصالحین* (۱۴۲۸هـ)، قم، مدرسه امام باقر علیه السلام

هاشمی‌شاهرودی، محمود، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام* (۱۴۲۶هـ)، قم،
دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت

